

Pomography as a Product of Internet

هرزه‌نگاری به عنوان محصولی از اینترنت

بت استیونس BetStevens

سال انتشار: جولای ۱۹۹۴

چکیده:

این مقاله سعی می‌کند، اثرات مخرب هرزه‌نگاری بر جامعه، بویژه زنان را تبیین کند. از نقش اینترنت در انتشار هرزه‌نگاری صحبت می‌کند و می‌گوید صنعت هرزه‌نگاری حتی دامن دختران جوان را نیز آلوده کرده است.

هرزه‌نگاری یکی از موضوعاتی است که فمینیستها همیشه با آن مخالف بوده‌اند. از یک سو برخی از فمینیست‌های مشهور، مثل «آندریا دورکین»، از قوانین ضد هرزه‌نگاری حمایت کرده‌اند و از سوی دیگر، بسیاری از آنان به شدت از آزادی بیان حمایت می‌کنند، آنها به سختی می‌توانند قبول کنند تصویرهای مخرب به همین طریق اشاعه می‌یابد. از طرفی تصویرها را مخرب می‌دانند و از طرف دیگر سانسور را با آزادی عقیده مخالف می‌بینند. من جدیداً پیگیر این مسأله شدم، در حالی که نمی‌دانستم کدام طرف بحث برایم مهم‌تر است: **دفاع از حقوق زنان یا حق آزادی بیان.**

شاید این بدان خاطر بود که هنوز مسأله هرزه‌نگاری را کامل نمی‌شناختم و درباره‌ی اثرات روان‌شناختی آن چیزی نمی‌دانستم و جهت‌گیری خاصی نداشتم. مثل اغلب آمریکایی‌ها، بر این باور بودم که در فرهنگ ما هرزه‌نگاری وجود دارد، فقط همین و بیش از این اطلاعاتی نداشتم. می‌دانستم مردان آمریکایی مجلات هرزه‌نگاری و مطالبی مربوط به سوء استفاده جنسی از کودکان را می‌خوانند؛ اما چیز بیشتری نمی‌دانستم. هنوز یک مجله هرزه‌نگاری را ورق نزده بودم و هنوز یک فیلم این چینی ندیده بودم. در خانه‌ای که بزرگ شدم، بحثی از مباحث هرزه‌نگاری نشنیده بودم. نتیجه این که چیز زیادی از هرزه‌نگاری نمی‌دانستم. فکر نمی‌کردم این مسأله در فرهنگ ما رایج است و بر زندگی من اثری خواهد داشت.

وقتی به دانشگاه آمدم، هرزه‌نگاری را دقیق‌تر - به ویژه در مطالعات زنان - بررسی کردم. درباره اینکه هرزه‌نگاری چه اثری می‌تواند بر زندگی ما داشته باشد، بیشتر تعمق کردم. در یکی از کلاس‌ها، فیلمی دیدم با نام «داستانی که عشق نیست»؛ این فیلم اثرات بد و مخرب صنعت هرزه‌نگاری را با جزئیات آن نشان می‌داد. از آن وقت بود که واقعاً هرزه‌نگاری را شناختم و آن شناخت، عمیقاً روی من تأثیر گذاشت. بعد از دیدن فیلم، احساس کردم مریض شده‌ام؛ احساس کردم هرزه‌نگاری امری حاشیه‌ای در جامعه‌ی ما نیست بلکه راهی شایع و عادی برای از بین بردن حیای زنان شده است. هیچ استدلال مبتنی بر آزادی بیان، نمی‌تواند از آنچه من در آن فیلم دیدم و تصاویر بدی که مشاهده کردم، دفاع کند.

کلید واژه ها: هرزه نگاری اینترنتی، فساد اخلاقی و فساد جنسی

### عرضه خود در شبکه‌ی اینترنت

پس از آشنایی با هرزه‌نگاری و با کار با اینترنت، دیدم که هر روز با صنعت هرزه‌نگاری در این شبکه روبه‌رو می‌شوم. از سال پیش سعی کردم فیلم‌های خودفروشی اینترنتی را ببینم.

این تبلیغات از یک وب‌سایت هرزه‌نگاری به حساب آن‌لاین آمریکایی من ریخته شد. شوکه شدم و برای مدتی به سایت پیوستم تا بفهمم برای من که یک زن نوزده ساله هستم، چه چیزهایی فرستاده می‌شود. اولین تصویری که ارائه شد، تصویر زنی نیمه لخت بود که خودش را برای مسائل جنسی ارائه می‌کرد. فوراً از شبکه خارج شدم. با دیدن همین مقدار فهمیدم که اگر عضو سایت باقی بمانم، مشتری هرزه‌نگاری اینترنتی در دنیا خواهم شد.

از آن زمان به بعد سایت‌های هرزه‌نگاری و رابطین ویدئویی، نامه‌های الکترونیکی بی‌شماری برای من فرستادند و سعی کرده‌اند هرزه‌نگاری‌هایی برایم بفرستند. به طور متوسط، هر ماه پنجاه پیام الکترونیکی از سایت‌های هرزه‌نگاری دریافت می‌کنم. مدتی پیش با «مارتی لانگلان» فمینیستی که درباره‌ی هرزه‌نگاری سخنرانی می‌کند، ملاقات کردم. از او پرسیدم، آیا هیچ منبع حقوقی وجود ندارد که فرستادن هرزه‌نگاری‌ها از راه معمولی نامه‌های الکترونیک را غیرقانونی بداند؟

او در پاسخ گفت من نمی‌توانم کاری برایت بکنم؛ فقط می‌توانم بگویم، برایشان نامه بنویس و بگو چقدر از محصولات آنها به دست تو رسیده است.

### بیش از این چه اتفاقی می‌افتد؟

تصمیم گرفتم بدانم در اینترنت چه می‌گذرد؛ به ویژه وقتی دانستم تحریک میلیون‌ها مرد به وسیله صفحه‌های مونیتور خطرآفرین است. خواستم بفهمم گستردگی صنعت هرزه‌نگاری در اینترنت چقدر است. یکی از هزاران تبلیغات هرزه‌نگاری را که در صندوق نامه‌های الکترونیکی‌ام بود، باز کردم. بیشتر این تبلیغات می‌گویند، استفاده‌کننده‌های آنها باید بالاتر از ۱۸ یا ۲۱ سال، سن داشته باشند. همچنین برخی سایتها شرط می‌کنند، بازدیدکنندگان سایت نباید با هرزه‌نگاری جنسی مخالف باشند. البته نه سن و سال و نه تمایلات افراد حقیقتاً در این سایتها بررسی نمی‌شود؛ به همان سادگی که من می‌توانم، یک کودک ۱۲ ساله باشم که کسی نظارتش نمی‌کند، و می‌توانم بنویسم: «من ۱۸ ساله هستم»!

آدرس یکی از سایت‌هایی که بازرسی کردم، فقط چند عدد بود که توانستم با بررسی صندوق نامه‌هایم آن را پیدا کنم. صفحه ورودی این سایت، تصویر زنی در حال رابطه‌ی جنسی با مردی بود. هنوز از من خواسته نشده بود سن و سالم را تایپ کنم؛ فقط با تأیید کلمه‌ی Link توانسته بودم آنرا ببینم. پس از مدتی که بر عصبانیت خود چیره شدم، بیشتر و دقیق‌تر تصویر - به ویژه صورت زن - را نگاه کردم. سعی کرده بود صورتش را زیبا نشان دهد، طوری که در نگاه اول فکر کردم از کارش خشنود است؛ اما پس از دقتی بیشتر، احساس کردم زن از کار خود راضی نیست؛ خسته است. به نظر می‌رسید او مجبور به این کار شده و از رابطه‌ی جنسی خود با مرد لذت نمی‌برد. بیشتر شوکه شدم؛ یکی از مهم‌ترین دلایل طرفداران هرزه‌نگاری این است که زنان شرکت‌کننده در تولید محصولات هرزه‌نگاری، انتخاب شده‌اند و اغلب از کار خود لذت می‌برند. اما زنی که من دیدم، از سکس لذت نمی‌برد. او کاری انجام می‌داد که مجبور بود، فرق نمی‌کند؛ به خاطر منفعت مادی یا به خاطر اسلحه‌ای که کسی در خارج از کادر دوربین به طرف او گرفته است.

برای همه‌ی ما مشخص شده که برخی از ستاره‌گان سینما به زور اسلحه تن به برخی کارها می‌دهند؛ شاید این تصویری هم که من دیدم، زنی را با وضعیت مشابه نشان می‌داد!

بر اساس تحقیقاتی که انجام داده‌ام، به جرات می‌توانم بگویم که هزاران سایت اینترنتی هرزه‌نگاری وجود دارد و هزاران نفر در روز به آنها نگاه می‌کنند. برخی از سایت‌ها گسترده هستند، با انواع و اقسام هرزه‌نگاری‌ها، برخی سایت‌ها نیز ویژه زنان آسیایی هستند و برخی تنها منحصر به زنان جوان می‌باشند. سایت‌های اخیر می‌گویند، مدل‌هایی که نشان می‌دهند، حداقل ۱۸ سال دارند؛ اما زنانی که در این سایت‌ها دیده می‌شوند، مسلماً جوان‌تر هستند.

هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت ممنوع است؛ بنابراین در مطالعه‌ی سایتهای ویژه جوانان، مواظب بودم ناگهان وارد سایت‌هایی که هرزه‌نگاری کودکان را نشان می‌دهند، نشوم. به طور گذرا به برخی از سایت‌هایی که دختران نوجوان را نشان می‌داد، سر زدم. دوباره با دیدن تصاویر سردرد گرفتم، بیشتر دختران کمتر از ۱۸ سال داشتند. بدن‌هاشان جوان بود و بعضی حتی ۱۳ یا ۱۴ ساله به نظر می‌رسیدند. علاوه بر سایت‌های زنان جوان، سایت‌هایی با نام "hardcore" که ویژه‌ی تبلیغ است وجود دارد. این سایت‌ها تصاویر زیاد و گوناگونی دارند که همه نگران‌کننده هستند. تصاویری که آلات مختلف ارضای جنسی را تبلیغ می‌کنند.

در سایت‌های بی‌شماری این تصاویر مجانی است. تعجب کردم، چرا با وجود این که این تصاویر مجانی در اختیار کاربران قرار داده می‌شود، برخی پول پرداخت می‌کنند و عضو این سایت‌ها می‌شوند. چه سرویس‌های ویژه‌ای در اختیار اعضایی که

پول پرداخت می‌کنند، گذاشته می‌شود؟! با پرداخت وجه لازم، عضو یکی از سایت‌ها شدم. تصویرهای بیشتری در اختیارم گذاشته شد، می‌توانستم فیلم‌هایی را انتخاب و برای خود ذخیره کنم، به سادگی می‌توانستم روی برخی فریم‌ها زوم نموده و برخی را انتخاب کنم. فیلم‌ها صداها را هم کامل منعکس می‌کردند. قبل از آن، سایت اعلام می‌کرد: «توجه! همه فایل‌ها تمام رنگی و با صدای کامل پخش می‌شوند!»

چیزی که توجهم را جلب کرد، مخفی بودن همه صورت‌ها در نمایش بود. در فعالیت‌های سکسی، فقط قسمت‌های انتخاب شده از بدن مدل‌ها و بازیگران فیلم‌ها دیده می‌شد. این کار تصاویر را کمتر انسانی نشان می‌داد. به این نتیجه رسیدم که این به بیننده کمک می‌کند تا راحت‌تر فراموش کند که این افراد انسان هستند و شخصیت و احساسات دارند. اگر زن فقط یک جسم عریان باشد، بهتر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد تا موقعی که یک انسان باشد!

### هرزه‌نگاری مایه‌ی بدبختی

بعد از این تحقیقات می‌خواستم بنشینم و گریه کنم. وقتی مقاله‌ی «آندرا دورکینز» (هرزه‌نگاری و بدبختی) را می‌خواندم، مسائل آن مرتب به یادم می‌آمد. او در مقاله نوشته بود: «اگر زنی در خود احساس ارزش ذاتی کند، با دیدن بخش کوچک هرزه‌نگاری عصبانی خواهد شد و این عصبانیت مفید است. اگر زنی در این بخش مطالعه و بررسی کند، احساس مرگ می‌کند». چگونه این زنان به صنعت هرزه‌نگاری روی آورده‌اند؟ آیا آنها نسبت به کار خود خشنود و راضی هستند؟ آیا فرزندان هم دارند؟ آیا با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود می‌نشینند شام بخورند؟ آیا زندگانی عادی دارند؟ آیا آنها نمی‌خواهند از صنعت هرزه‌نگاری خارج شوند؟ آیا اگر بخواهند به سادگی می‌توانند؟

این زنان بعد از این که زیبایی خود را از دست دادند، چه بر سرشان می‌آید؟ بعد از این که بدن‌های آنها شل و ول شد، بیرون انداخته می‌شوند تا دنبال کار خود بروند. نمی‌توانم گزینه دیگری تصور کنم؛ هرزه‌نگاران با زنان مسن که فیلم نمی‌سازند. بعد از توجه به زنان داخل تصاویر، به مردانی فکر کردم که به این سایت‌ها مراجعه می‌کنند و مردانی که در همه دنیا از محصولات هرزه‌نگاری استفاده می‌کنند. نمی‌توانم بفهمم با تصاویری که من دیدم، یک مرد تا چه اندازه تحریک می‌شود! من انسان خشک و متعصبی نیستم، اما با دیدن تصاویر هرزه‌نگاری لذتی در خود ندیدم، برعکس ناراحت شدم. احساس می‌کنم بسیاری از زنان دیگر هم احساس مرا داشته باشند.

من درباره‌ی این موضوع با برخی از دوستانم صحبت کرده‌ام و واکنش‌های متفاوتی دیده‌ام. دوستان فمنیستم، معمولاً می‌گویند «اوه! این مسأله مهمی است. من شرط می‌بندم چیزهای وحشتناکی خواهی دید». بیشتر آنها در هرزه‌نگاری‌ها رنگی از عشق ندیده‌اند و درک کرده‌اند که این مسأله چه بر سر زنان خواهد آورد، برخی از آنها می‌خواهند نسبت به آنچه نوشته‌ام بیشتر بحث کنند. آنهایی که فمنیست نیستند، معمولاً از دغدغه من سر در نمی‌آوردند و تعجب می‌کنند که چرا می‌خواهم درباره هرزه‌نگاری مطلب بنویسم. احساس می‌کنم این افراد کسانی هستند که هرزه‌نگاری را ندیده‌اند و عمق و گستره‌ی این صنعت را نمی‌شناسند.

نمی‌دانم چگونه به آنها بگویم، هرزه‌نگاری از آن جهت مرا اذیت می‌کند که آنها را به شکست می‌کشاند؛ چگونه می‌توانم کثیف بودن این کار را به آنها که مرد هستند، نشان دهم. برخی اوقات آرزو می‌کنم، ای کاش مردها می‌توانستند احساس زنان را درک کنند، حتی برای یک روز؛ اگر این طوری می‌شد، آنها می‌توانستند بفهمند در زندگی روزانه آنها، زنان چگونه روزگار می‌گذارند.

الان که فهمیده‌ام دستیابی به هرزه‌نگاری در اینترنت چه قدر ساده است و چه قدر دانش مردم نسبت به هرزه‌نگاری کم است، اعتقاد دارم، کسانی که ماهیت مخرب هرزه‌نگاری را درک کرده‌اند، باید این مفهوم را به هر کسی در آمریکا برسانند تصویرهایی که بسیار خجالت‌آور است و باید انتشار آنها متوقف شود، به راحتی قابل دسترسی است. به نظر من، بهترین راه برای جلوگیری از اثر تخریبی هرزه‌نگاری، آگاهی دادن به مردم از خطرناک بودن آن است. اگر مردم بدانند، نهایت کار اینترنت چیست، جلوی هرزه‌نگاری را می‌گیرند، باید این مسأله را به دیگران نیز متذکر شویم.

منبع: